



مفهوم‌شناسی عفاف حمیده طرقي اردکاني

اشاره:

عفاف واژه‌ای است که بارها شنیده‌ایم، لفظی است که با ذهن لمسش می‌کنیم، اما حقیقتی است که کمتر می‌توانیم به درستی معنایش کنیم. فقط می‌دانیم هست و جایی کنار تمام ویژگی‌های خوب نشسته است. درک می‌کنیم لازم است در جامعه عفاف سایه افکند. قدر می‌نهیم؛ وقتی به افتخار عفاف کنگره برگزار می‌کنند، همایش تشکیل می‌دهند یا بیانیه می‌نگارند و در راهپیمایی عفاف شرکت می‌کنیم؛ اما به راستی عفاف چیست؟ چند نوع دارد؟ کجای زندگی کاربرد دارد؟ آثار فردی و اجتماعی عفاف چیست؟ اینها سؤالاتی است که در این نوشته سعی شده به آن‌ها پاسخ داده شود. عفاف؛ فرهنگ، روش و منش مسلمانان را تبیین می‌کند و به آنها چگونه بودن و چگونه زیستن را آموزش می‌دهد.

هر جامعه دارای فرهنگ معین و با اهدافی از پیش تعریف شده است. فرهنگی که قرآن به جوامع اسلامی عرضه می‌کند، فرهنگ عفاف است.

معنای لغوی عفاف

عفاف با فتح حرف اول، از ریشه «عفف» است. راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: عفت حالت نفسانی است که مانع تسلط شهوت بر انسان می‌گردد و انسان عقیف کسی است که با تمرین و تلاش مستمر و پیروزی بر شهوت، به این حالت دست یافته باشد.^۱ ابن منظور در لسان‌العرب می‌نویسد: پایه عفاف، خویشتن‌داری است و ردپایی از جنسیت یا (عفت: خویشتن‌داری از آنچه حلال و زیبا نیست) اختصاص به جنس خاص (زن) در معنی لغوی عفاف، وجود ندارد.

معنای عرفی در گویش فارسی، عفاف به کسر اول و به معنی «پاکدامنی» به کار می‌رود. در لغت‌نامه دهخدا چنین آمده است: عفاف: پارسایی و پرهیزگاری، نهفتگی، پاکدامنی و خویشتن‌داری. دکتر معین در فرهنگ فارسی معین آورده است: عفاف: پارسایی، پرهیزگاری و پاکدامنی. و در تداول غالباً به کسر اول تلفظ می‌کنند.

عفاف در اصطلاح

عفاف اصطلاحی اخلاقی است. عالمان اخلاق، عفاف را در شمار مهمترین فضایل بر شمرده‌اند. ملاصدرا در «اسفار» عفاف را چنین تعریف می‌کند: عفاف، منشی است که منشأ صدور کارهای معتدل می‌شود؛ نه پرده‌داری می‌کند و نه گرفتار خمودی می‌شود. در نتیجه، عفت به معنای رام بودن قوه شهوانی، تحت حکومت عقل است. البته با رعایت شرط اعتدال؛ یعنی نه غرق در شهوات شویم که به افراط گراییم و نه ترک گرایش کنیم که به تفریط دچار آییم؛ بلکه استفاده صحیح و مشروع نماییم، زیرا خدای تعالی همه گرایش را به حکمت در وجود آدمی به ودیعت نهاده است. شهوت در لغت یک مفهوم عام دارد که هرگونه خواهش نفس و میل و رغبت به لذات مادی را شامل می‌شود، اما شهوت یک مفهوم خاص هم دارد که همان شهوت جنسی است. بنابراین عفت نیز دو مفهوم دارد؛ یک مفهوم عام که عبارت است از

خویشتن‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی و مفهوم خاص آن خودداری از تمایلات افراطی جنسی است. غالباً در روایات و کتب اخلاق، منظور از عفت، خویشتن‌داری در خوردن و امور جنسی است که برترین عبادات شمرده شده و به آن بسیار تأکید شده است. چنان‌که امام باقر (ع) فرموده‌اند: «عفت شکم و پاکدامنی، بهترین عبادت است»^۲.

واژه عفاف در قرآن کریم

عفاف به دو صورت «بستعفف» و «تعفف» در قرآن کریم و مجموعاً در چهار آیه مبارکه آمده است. عفاف با توجه به متن آیه معنای گوناگونی می‌پذیرد که می‌توان از آن به ابعاد عفاف یاد نمود.

۱- عفت به معنای خویشتن‌داری در اظهار نیاز

«انفاق شما مخصوصاً باید (برای نیازمندی باشد که در راه خدا در تنگنا قرار گرفته‌اند؛ (و توجه به آیین خدا آنان را از وطن‌های خویش آواره ساخته و شرکت در میدان جهاد به آنها اجازه نمی‌دهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتي بزنند) نمی‌توانند مسافرتی بکنند (و سرمایه‌ای به دست آورند) و از شدت خویشتن‌داری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند؛ اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار از مردم چیزی نمی‌خواهند (این است مشخصات آنها) و هر چیز خوبی که در راه خدا انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است.» (بقره/۲۷۳)

در اینجا عفاف به معنای عدم اظهار فقر به عنوان یک ارزش اخلاقی برای مسلمین مطرح شده است، عفاف به همین معنا در روایات نیز آمده است:

«عفاف؛ زینت فقر و شکرگزاری؛ زینت بی‌نیازی است.»^۳

۲- عفت به معنای قناعت

«و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید و اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را نخورید و هر کس که بی‌نیاز است، (از برداشتن حق الزحمه) خودداری کند و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته (مطابق زحمتی که می‌کشد) از آن بخورد و هر که بی‌نیاز است، باید عفت ورزد.» (نساء/۶)

صاحب‌المیزان در تفسیر این آیه می‌فرماید: «گاهی سرپرست یتیم فقیر است و چاره‌ای ندارد جز اینکه برای رفع حوائجش برای یتیم

امام علی (ع): «کسی که در راه خدا جهاد کند و شهید شود، اجرش بزرگتر از کسی نیست که بتواند گناه کند و عفت بورزد. انسان پاکدامن نزدیک است فرشته‌ای از فرشتگان خدا شود.»

آنها و جوب حفظ و کنترل دیده و نگاه است. «به زنان مؤمن بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند». همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیرمجاز) چشم‌پوشی کنید». (نور/ ۲۳) در لزوم عفت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام، بین زن و مرد فرقی نیست.

بدین ترتیب همان‌گونه که چشم‌چرانی بر مردان حرام است، بر زنان نیز حرام است. از این رو، کنترل چشم می‌تواند از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول عفاف باشد که باید در مرتبه اولی رعایت گردد؛ چرا که چشم دروازه قلب و روح است و هر چه دیده بیند، دل کند یاد.

۷- عفت در شهوت

در ادامه آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: «وَّيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»؛ [به زنان با ایمان بگو] دامن‌های خود را حفظ نمایند.

۸- عفت در پوشش

مسئله حجاب و پوشش زن و مستور نمودن زینت‌های ظاهری و باطنی وی، اهمیت بسیاری دارد. خداوند حکیم به دنبال آیه مذکور و در چند جای دیگر قرآن به این موضوع با تعبیر مختلف اشاره کرده و زنان را از هتک حرمت خود با بدحجابی و بی‌حجابی و خودآرایی و خودنمایی در برابر نامحرم نهی فرموده است. در آیه ۳۱ سوره نور، زنان را مکلف می‌کند که نباید جاذبه‌ها و زینت‌های -ظاهری و باطنی- خود را آشکار سازند، مگر آن مقدار که طبیعتاً نمایان است.

۹- عفت در کردار

وظیفه دیگر زنان، پرهیز از رفتارهای جلب توجه‌کننده و غیرعقیفانه است: «هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت‌های پنهان‌شان دانسته شود، (نور/ ۳۱) و صدای زیورآلاتشان از قبیل خلخال و دستبند و گوشواره به صدا در نیاید».^۹ پس هرگونه راه رفتنی که موجب آشکار شدن زیورهای مخفی زن شود، از نظر اسلام ممنوع است. زنان باید در رعایت عفاف و پرهیز از امور جلب توجه‌کننده، دقت لازم را بنمایند و با استفاده از وسایل زینتی و استعمال عطر، به گونه‌ای نباشند که باعث جلب توجه نامحرم و عامل انحراف فکرها و تباهی دل‌ها گردند. زنان باید از هرگونه رفتار جلوه‌گرانه و تحریک‌کننده پرهیز کنند و با تأسی از آیه «تَمَشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص/ ۲۵) که شیوه راه رفتن زنان اسلامی را ترسیم می‌کند و با اقتدا کردن به بانوی دو عالم فاطمه زهرا(س) به شیوه آن حضرت عمل نمایند.^{۱۰}

عوامل تهدیدکننده عفاف

پس از گذراندن دوران پر از آرامش کودکی؛ با بیدار شدن غرایز

کار کند و از اجرت کارش حوائج ضروری‌اش را برآورد، ولی گاهی سرپرست یتیم ثروتمند است، در این صورت خدای تعالی می‌فرماید: هر کس که ثروتمند است، طریق عفت در پیش گیرد و از مال یتیم چیزی را نگیرد و اگر فقیر است، به طور شایسته از آن بخورد.»

طبرسی می‌گوید: «در این آیه شریفه عفاف به معنای قناعت می‌باشد» و در حدیثی از معصوم (ع) نیز نقل شده که می‌فرماید: «میوه عفت؛ قناعت است.»^۵

۳- عفت به معنای پاکدامنی

«کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا از فضل خود آنان را بی‌نیاز سازد.» (نور/ ۳۳)
«از آنجا که در آیه قبل ترغیب به ازدواج می‌باشد، گاهی با تمام تلاش و کوشش، وسیله ازدواج فراهم نمی‌گردد و خواه یا ناخواه انسان مجبور است مدتی را با محرومیت بگذراند. مبدا کسانی که در این مرحله قرار دارند، گمان کنند که آلودگی جنسی برای آنان مجاز است و ضرورت چنین ایجاب می‌کند، لذا بلافاصله در آیه بعد دستور پارسایی می‌دهد.»^۶

امام علی (ع) در پاداش شخص عقیف می‌فرماید: «کسی که در راه خدا جهاد کند و شهید شود، اجرش بزرگتر از کسی نیست که بتواند گناه کند و عفت بورزد. انسان پاکدامن نزدیک است فرشته‌ای از فرشتگان خدا شود.»^۷

۴- عفاف به معنای رعایت حجاب

«و زنان از کار افتاده‌ای که امید ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، به شرط این که در برابر مردم خودآرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند، برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و داناست.» (نور/ ۶۰)

زن به علت جاذبه‌هایی که خدای تعالی در وجود او نهاده است، حکم پوشش به او اختصاص یافته تا زیبایی‌های او منحصر به محارم خویش باشد و از تحریک مردان بیگانه پیشگیری کند، اما هنگامی که آن جاذبه‌ها از بین رود، می‌تواند چادر خویش را به خاطر حرج و سختی که برای وی دارد، کنار بگذارد. قرآن با تعبیر دیگری هم سعی دارد فرهنگ عفاف را نهادینه سازد.

۵- عفت در گفتار

در آیه ۲۳ سوره احزاب، درباره وظایف زنان در لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم می‌فرماید: پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید.

۶- عفاف در نگاه

در آیه ۱۳ سوره نور که به سوره عفت و پاکدامنی و حجاب معروف است،^۸ به چندین رفتار عقیفانه اشاره می‌کند که یکی از

«کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا از فضل خود آنان را بی‌نیاز سازد.» (نور/۳۳)

خلوت با نامحرم

از جمله عوامل تهدیدکننده عفت، خلوت با نامحرم است. مراد از خلوت این است که مکان طوری باشد که رفت و آمد در آن کمتر باشد و یا آن محل درهای ورود و خروجش بسته باشد. در چنین شرایطی است که شیطان وسوسه خود را آغاز و انسان را متمایل به گناه می‌کند.

عدم توجه به مسایل زناشویی

هریک از زن و شوهر در کانون خانواده وظایفی را بر عهده دارند. عدم توجه به آن موجب می‌شود که طرفین ارضای نیازهای غریزی و طبیعی خود را خارج از محیط خانه به صورت ناسالم طلب کنند.

عدم خودباوری و عزت نفس

وقتی انسان از جایگاه و شخصیت حقیقی خویش در نظام آفرینش غافل باشد و نداند که بهای حقیقی او معادل بهشت است و می‌تواند برتر از ملائکه و دیگر موجودات روی زمین باشد، لذا ذی‌ذکر و آنی دنیا در نزد او خوار می‌گردد و مصداق کلام امیرالمؤمنین علی(ع) می‌شود که فرمود: کسی که در خود احساس کرامت می‌کند، شهوات و خواهش‌های نفسانی نزد او بی‌مقدار می‌شود.

فراموشی یاد خدا

شاه‌کلید عوامل تهدیدکننده عفت، غفلت از یاد خداست. قرآن کریم در سوره زخرف آیه ۳۶ می‌فرماید: «هرکس از یاد خدا رویگردان شود؛ شیطانی را به سراغ او می‌فرستیم و همواره با او قرین خواهد بود.» غفلت از ذکر خدا و غرق شدن در لذات دنیا و دلبستگی به زرق و برق آن، موجب می‌شود که شیطان بر انسان مسلط گردد و همواره قرین او باشد و رشته‌ای در گردنش افکنده، می‌برد به هر جا که خاطرخواه اوست.

جنسی و نیازهای روحی دوران بلوغ آغاز می‌شود. در این مرحله نقش خانواده در دادن آگاهی‌های مربوط به این دوران پررنگ می‌شود و پدر و مادر وظیفه دارند شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام، محرم و نامحرم و آنچه برای پیشگیری از آلودگی‌ها لازم است، به فرزندان بیاموزند تا هم خود به وظیفه شرعی عمل کرده باشند و هم فرزندان از ارتکاب به اعمال منافی عفت مصون بمانند. در ادامه به چند عامل تهدیدکننده عفاف اشاره می‌شود.

چشم‌چرانی

چشم‌دریچه حساسی است که در مقابل صحنه‌های تحریک‌آمیز، حالت منفعلانه‌ای به خود می‌گیرد و با ارسال آن به قلب و دل، تمایلات نفسانی را بدون تجزیه و تحلیل و عبور از فیلتر عقل مطالبه می‌کند و انسان را به منجلاب بی‌عفتی و گناه می‌کشاند و به قول باباطاهر عریان:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد
که هر چه دیده بیند دل کند یاد

اختلاط زن و مرد

مکتب اسلام در عین اینکه اجازه فعالیت اجتماعی را در عرصه اجتماع به زن می‌دهد، او را از اختلاط در عرصه کار و فعالیت نهی می‌کند. اسلام می‌گوید نه حبس و نه اختلاط؛ بلکه حریم سنت جاری مسلمانان از زمان رسول خدا همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی‌شده‌اند، ولی همواره اصل «حریم» رعایت شده است. در مساجد و مجامع، حتی در کوچه و معبر، زن با مرد مختلط نبوده است. طبق آیه ۲۳ سوره قصص، دختران حضرت شعیب با وجود این‌که شغل چوپانی داشتند، هنگام سیراب کردن گوسفندان خود، ابتدا به کناری می‌رفتند تا چوپانان دیگر آب از چاه کشیده و حیوانات خود را سیراب کنند و آنجا را ترک کنند، سپس خود به کناره چاه رفته و به سیراب کردن حیوانات می‌پرداختند. حتی هنگامی که می‌خواستند همراه موسی به خانه خود بروند، حضرت موسی پیشاپیش آنها قدم برمی‌داشت تا به پشت آنها نظر نکند، پس می‌توان در عین حفظ حریم و حدود، در عرصه اجتماع فعالیت کرد.

خضوع در کلام زنان

خضوع در کلام به معنای این است که زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند و به تبع، دل دچار ریبه و خیال‌های شیطانی شود و شهوات برانگیخته شود.

عدم پوشش و زینت مناسب

خداوند متعال با خودآرایی زن مخالف نیست، بلکه با خودنمایی مخالف است. حتی در بعضی روایات زن و شوهر را برای قوام خانواده توصیه به زینت و آرایش می‌کند.





سنت جاری مسلمانان از زمان رسول خدا اهمیتین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی‌شده‌اند، ولی همواره اصل «حریم» رعایت شده است.

آثار عفاف و حجاب

عفاف و حجاب، خویشتن‌داری و توانایی برجسته روحی به انسان می‌دهد تا وی در برابر هجوم سرکش هوی و هوس پایداری کند و در فراز و فرود زندگی، به کمال رسد. برخی دیگر از برکات عفاف عبارتند از:

آرامش روحی فرد و جامعه (بهداشت روانی):

با عفاف و خویشتن‌داری می‌توان از هرز رفتن استعدادها، توان‌ها و امکانات جلوگیری نمود و به بالندگی هنجارها و ارزش‌ها یاری نمود. پایبند نبودن به حجاب، آرامش خانواده و جامعه را بر هم زده و به التهاب دامن می‌زند.

پایداری نظام «خانواده»:

رعایت عفاف در رفتار و گفتار، خانواده را سالم و آسیب‌ناپذیر نگه می‌دارد. آیا آنان که با فریب‌کاری، شعار آزادی زن را سر دادند و حجاب را از عفت تفکیک کردند، توانستند با ولنگاری زنان در غرب و تشویق مردان هوس باز، نظام خانواده را حفظ کنند؟

اصطلاح «زن شیء شده»:

امام خمینی، در توضیح نگرش غربی به زن به شکل یک کالا، تعبیر زیبایی دارند: «در خصوص زنان، اسلام هیچ گاه مخالف آزادی آنها نبوده است. به عکس، اسلام با مفهوم «زن شیء شده» و به عنوان شیء، مخالفت کرده است و شرافت و حیثیت وی را به وی باز گردانده است».^{۱۱}

عفاف، منشأ فرهنگ و ادبیات

همه زیبایی و شکوه تمدن و فرهنگ انسان را در یک کلمه می‌توان خلاصه کرد و آن عشق است. استواری عشق به اسطوره‌های کمتر دست‌یافتنی است. زبان عاشقان، زبان شعر است که چون دل پرسوز، عاشق و درون‌سوز است. این بلندای شکوهمند فرهنگ و ادب شرقی، عرفانی و ایرانی، دست‌مایه یک‌نسل سرفراز اصیل، خویشتن‌دار و متمدن است که از منظر عفاف به یکدیگر می‌نگریستند. زن در حشمت و جلال می‌زیسته است و مرد همواره در پی این حشمت و جلال می‌رفته است که به سادگی و آسانی، دست‌یافتنی نبوده است. کمتر بازیچه دست هوسران مردان بوده و بیشتر ارزش و اعتبار داشته است. زن بدون عفت و پوشش، این جمال مرموز و شاعرانه را نیز از کف می‌دهد و به زباله‌دانی شهوت مردان بی‌اصول بدل می‌گردد؛ مردانی که نه شاعر، بلکه تب‌هکارند.^{۱۲}

راهکارهای گسترش حیا، عفاف و حجاب در جامعه

- ۱- آگاهی‌بخشی به شیوه‌های جذاب و متناسب با ادبیات نسل جوان.
- ۲- ارتقای سطح اخلاق و معنویات در جامعه با استفاده از ابزار تشویقی و توسعه فرهنگ کتابخوانی در زمینه اخلاق و معنویت.
- ۳- مبارزه با مظاهر فساد و بی‌حرمتی و توجه به ورودی‌های فرهنگی از طریق ماهواره، اینترنت و ...
- ۴- جایگزین کردن برنامه‌هایی که متناسب با فرهنگ غنی دینی و ملی بوده و در عین حال از جذابیت کافی برخوردار باشد.
- ۵- توجه ویژه به دانش‌آموزان دبستانی و راهنمایی و آموزش کارآمد و اصولی مفاهیم معنوی.
- ۶- استفاده از رسانه ملی به عنوان زبان دین و نفوذ باورهای دینی و مفاهیمی چون حیا، عفاف و ... در مجموعه‌های داستانی و فیلم‌های سینمایی.
- ۷- ارائه الگوهای مناسب حجاب با توجه به اوضاع زمانی و موفقیت‌های اجتماعی افراد (قالب‌سازی و شکل‌دهی، همخوان با محیط).

۸- اهتمام به فراهم کردن شرایط ازدواج در سنین پایین برای جوانان.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مفردات راغب، ذیل ریشه عفف.
۲. لسان‌العرب، ج ۹، ص ۲۵۳.
۳. «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عَفَّةِ بَطْنِ وَفُجِّ»؛ (اصول کافی، ج ۲، ص ۷۹).
۴. «العفاف زينة الفقر والشكر زينة الغنى»؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۴۲.
۵. «ثمره العفة القناعة»؛ غرر الحکم، ص ۲۵۶، ح ۵۴۲۴.
۶. آیت‌الله مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۴، ص ۴۵۹.
۷. «مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرٍ أَمْ مَنْ قَدَّرَ عَفْفًا: لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ»؛ نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷۴.
۸. دکتر بهشتی، احمد؛ منشور عفاف (تفسیر سوره نور)؛ قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول ۱۳۸۶.
۹. تفسیر المیزان، ص ۷۸۱، ذیل آیه.
۱۰. دکتر بهشتی، احمد؛ همان.
۱۱. امام خمینی؛ زن و آزادی در کلام امام خمینی (قدس سره)؛ سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ص ۳۲.
۱۲. اسحاقی، دکتر سیدحسین؛ گوهر عفاف؛ قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول ۱۳۸۷.